

فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول	۱
دسترسی به مطالب کتاب مقدس در صدر اسلام	۱
محمد[ص] و یهودیان	۶
قصص الانبیاء و اسرائیلیات	۱۴
وهب بن منبه	۱۷
نوشته‌های رایج	۲۱
تفسیر و حدیث	۲۲
نوشته‌های تاریخی	۲۴
گواهی‌های ظهور محمد[ص] در کتاب مقدس	۲۷
متون مجعول و ترجمه‌ها	۲۹
تعلیقات مترجم	۳۹
فصل دوم	۴۷
نویسندگان و آثارشان	۴۷
علی بن ربن طبری	۴۸
کتاب الدین و الدوله	۵۵
ابن قتیبه	۵۹
۱- عیون الاخبار	۶۴
۲- کتاب تأویل مختلف الحدیث	۶۴
۳- کتاب المعارف	۶۵
۴- دلائل النبوه	۶۷
یعقوبی	۶۸
طبری	۷۲
۱) جامع البیان عن تأویل آی القرآن	۷۶
۲) تاریخ الرسل والملوک	۷۷
مسعودی	۷۸

۸۲ (۱) مروج الذهب
۸۳ (۲) التنبيه و الاشراف
۸۴ مقدسى
۸۷ باقلانى
۹۲ بيرونى
۹۹ ابن حزم
۱۰۵ (۱) الاصول و الفروع
۱۰۶ (۲) كتاب الفصل فى الملل و الاهواء و النحل
۱۰۷ (۳) اظهار تبديل اليهود
۱۰۹ (۴) الرد على ابن النخريه اليهودى، لعنه الله
۱۱۳ تعليقات مترجم
۱۲۲ فصل سوم
۱۲۲ اعتقادات و اعمال يهوديان
۱۲۳ ابن ربن
۱۲۵ ابن قتيبه
۱۲۵ يعقوبى
۱۳۴ طبرى
۱۳۷ مسعودى
۱۴۷ مقدسى
۱۵۱ باقلانى
۱۵۳ بيرونى
۱۶۲ ابن حزم
۱۸۶ تعليقات مترجم
۱۹۵ فصل چهارم
۱۹۵ استفاده از مطالب كتاب مقدس و موضوعات مرتبط با آن
۱۹۶ ابن ربن
۱۹۸ ابن قتيبه

۲۰۷.....	يعقوبی
۲۱۴.....	طبری
۲۱۷.....	مسعودی
۲۲۵.....	مقدسی
۲۳۴.....	باقلانی
۲۳۴.....	بیرونی
۲۳۸.....	ابن حزم
۲۴۵.....	تعلیقات مترجم
۲۵۲.....	منابع مترجم
۲۵۶.....	منابع مؤلف

مقدمه

می‌دانیم که یهودیان، دیرزمانی پیش از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان می‌زیسته‌اند. آن چنان که از منابع تاریخی مختلف در این زمینه برمی‌آید، یهودیان از سده ششم ق.م به طور پراکنده در یمن و حجاز سکونت داشتند. چیزی که در این میان از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تاکنون محور پژوهش‌های تاریخی و دین‌شناسانه بسیاری قرار گرفته، نوع و کیفیت روابط میان ایشان و اعراب پیش از اسلام و بعد از آن است. روابط یهودیان و اعرابی که بعدها ردای مسلمانی به بر کردند سابقه‌ای دیرین در عربستان داشت. این مراودات بیشتر در ابعاد فرهنگی درمی‌گرفت. اعراب در بسیاری از مسائل به ویژه آنچه به سرگذشت پیامبران و تاریخ آنها و تاریخ ملت‌های گذشته مرتبط بود به اهل کتاب تکیه می‌کردند و از آنها یاری می‌گرفتند. حتی گاهی قبایل عرب، به ویژه قریش، یهود و نصارا را مرجع خود به حساب می‌آوردند و در هر مسئله دینی به آنها مراجعه می‌کردند. آگاهی یهودیان و قاریان تورات و انجیل از مطالب تاریخی و دانستن افسانه‌های شگفت‌انگیز مختلف درباره مشایخ و بزرگان و انبیاء قدیم به تدریج آنان را تبدیل به دانشمندی صاحب نظر کرده بود و روز به روز به برتری فرهنگی آنان می‌افزود. در این میان، انگیزه‌های تبلیغی یهودیان را هم در عربستان نباید نادیده گرفت. آنها از این امتیازی که نسبت به اعراب داشتند

استفاده می‌کردند و به تبلیغ دین خود در میان مشرکان آن دیار می‌پرداختند و موفقیت‌هایی نیز به دست آورده بودند.

پس از ظهور اسلام نیز این تماس‌ها همچنان ادامه داشت. مسلمانان صدر اسلام، نخست برای آگاهی از سرنوشت انبیاء و اقوام مذکور در قرآن به رایزنی با یهودیان مبادرت می‌ورزیدند؛ زیرا در قرآن معمولاً اشاراتی گذرا و محدود به اقوام و انبیائی شده است که شرح زندگانی و سرگذشت ایشان در کتاب مقدس یهودیان به طور مفصل و مبسوط وجود دارد و از طرف دیگر داستان ایشان از جذابیت فوق العاده‌ای نیز برخوردار بوده است. قرآن در این موارد عطش کنجکاوی مؤمنان را فرو نمی‌نشاند و همین عاملی برای مراجعه به یهودیان و رواج حکایاتی شد که بعدها به «اسرائیلیات» معروف گشت. از این گذشته، در صدر اسلام کسانی چون وهب بن منبه، کعب الاحبار، عبدالله بن سلام نیز بودند که از یهودیت به دین اسلام درآمدند و این اخبار و سنن گذشته را به راحتی در اختیار مسلمانان قرار می‌دادند. اینان اطلاعات خویش را از تورات و شروح و حواشی آنها را در میان مسلمانان منتشر می‌نمودند و مسلمانان هم در کنار تفسیر آیات قرآن از آنها بهره می‌بردند. طبق شواهد موجود در سیره ابن هشام و طبقات ابن سعد، یهودیان دین خود را آموزش می‌دادند و تورات و تلمود و زبور را به عبری می‌خواندند. ابن اسحاق از یهودیان و نیز مسیحیان مطالبی می‌آموخت و از آنها در آثار خود با عنوان «اهل العلم الاول» یاد می‌کرد.^۱ این آغاز گشایش درهای آشنایی با اعتقادات و متون مقدس یهودیان شد که بعدها توسط نویسندگان و دانشمندان سده‌های نخست اسلام به طور جدی‌تر و محققانه‌تری مورد پیگیری قرار گرفت.

دانشمندان علوم دینی در صدر اسلام و پس از آن با انگیزه‌های خاصی نظیر یافتن شواهدی مبنی بر ظهور نبی اکرم (ص) در کتاب مقدس برای اثبات صدق دعوت حضرت رسول (ص)، آگاهی از عقائد و متون مقدس اهل کتاب با هدف ردیه نویسی بر آنان، آشنایی با آموزه‌ها و تعالیم ایشان و مقایسه آن با اسلام،

^۱ - محمود ابورویه، *اضواء علی السنة المحمدیه*، ص ۱۴۶ به نقل از غلامی دهقی، علی، «مسلمانان صدر اسلام و اندیشه‌های اسرائیلی (پذیرش و انکار)»، *تاریخ در آئینه پژوهش*، سال اول، ش ۳، پاییز ۸۳، ص ۸۲.

مطالعه تاریخ انبیاء و گذشتگان از آغاز به منظور نگارش سیره پیامبر و تاریخ اسلام از آغاز خلقت تا روزگار خود، به کتاب مقدس مراجعه می کردند و از فضلا و علمای یهودی مدد می جستند.

در این میان، با توجه به اینکه تاکنون نشانی از وجود ترجمه‌ای از کتاب مقدس به زبان عربی در آن زمان به دست نیامده است پرسش‌های گوناگونی مطرح می شود. محققان در این مورد که نویسندگان ادوار نخستین به کدام دسته از متون دسترسی داشته‌اند و تا چه میزان با آنها آشنا بوده‌اند و با چه رویکردی به آنها مراجعه می کردند، گمانه‌های مختلفی زده‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

باید توجه داشت که دورانی از تاریخ اسلام را بررسی می کنیم که حقیقتاً از مهم ترین و سازنده ترین ادوار در تاریخ تمدن اسلامی است. بعضی از شرق شناسان تاریخ تمدن اسلامی را به طور کلی به سه دوره عمده تقسیم کرده‌اند که آنها را به ترتیب دوره‌های زرین، سیمین، و مفرغی نامیده‌اند. دوره زرین تاریخ تمدن اسلامی از اواخر قرن دوم هجری آغاز می شود و تا حدود اوایل قرن هفتم ادامه می یابد. این پنج قرن نخست اسلام، مهمترن دوران در تاریخ تمدن اسلامی است. در همین دوران بود که شالوده یک تمدن عظیم در یک سرزمین پهناور ریخته شد که نقطه اوج آن هم قرن چهارم بود. در این قرون ما شاهد یک نهضت بزرگ ادبی و علمی و فلسفی و فقهی در عالم اسلام هستیم که نه قبل از آن سابقه داشت و نه بعد از آن تکرار شد.^۲ آدام متز، مستشرق فقید سویسی نخستین کسی بود که از این دوران با عنوان «رנסانس اسلامی» یاد کرد. از زمان تألیف کتاب مشهور وی به نام *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری* در سال ۱۹۱۷، عنوان «رנסانس اسلامی» برای این دوره از تمدن اسلامی در حوزه های شرق شناسی رایج شده است. با مطالعه و بررسی آثار نویسندگان بزرگ این ادوار می توان به دریافت روشنی از تصویر یهودیت در آئینه آثار اسلامی و نه فقط قرآن و حدیث رسید.

نویسنده کتاب *دیدگاه‌های نویسندگان مسلمان درباره یهودیت و عهد عتیق*، خانم کامیلا آدنگ، در پژوهشی جامع و مبسوط به بررسی میزان آشنایی نه تن از دانشمندان معروف و پرکار مسلمان با متون

^۲ - پورجوادی، نصرالله، «انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی»، *تحقیقات اسلامی*، ش ۳ و ۲، زمستان ۶۵ و بهار ۶۶، ص ۲۲۴.

رسمی و غیر رسمی یهودیان از قرن سوم تا قرن پنجم پرداخته است و تأثیرات این آشنایی‌ها بر آثار ایشان و نوع رویکرد آنها را به این متون مورد کاوش قرار می‌دهد. پیش از آنکه درباره این کتاب و محتوای آن توضیحاتی ارائه دهیم لازم است نویسنده آن را به اجمال معرفی نماییم.

نویسنده و آثارش

کامیلا آدنگ^۳ در سال ۱۹۶۰ در بوسوم^۴ هلند چشم به جهان گشود. وی فارغ التحصیل دانشگاه ردبود شهر نیجمگن^۵ در کشور هلند است. او هم اکنون مدرس ارشد مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه تل آویو می‌باشد. لازم به ذکر است که در مورد شرح حال ایشان علی‌رغم جستجوهای مکرر و مراجعه به سایت‌های مختلف اطلاعاتی بیش از این نیافتیم. آدنگ محققی پرکار است و به عنوان مصحح، نویسنده، ویراستار و مترجم آثار و مقالات متعددی دارد. روابط یهودیان و مسلمانان، آراء معتزله و مذهب ظاهریه از زمینه‌های مورد توجه وی در تحقیق بوده‌اند. لازم به ذکر است که کتاب دیدگاه‌های نویسندگان مسلمان درباره یهودیت و عهد عتیق در واقع رساله دکتری وی بوده است که بعداً در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید. جا دارد در اینجا آثاری چند از وی را نام ببریم و به طور مختصر آنها را معرفی کنیم.

1-A Common Rationality: Mu'tazilism in Islam and Judaism

یا «عقل‌گرایی مشترک: اندیشه اعتزال در اسلام و یهودیت» اشاره کرد که با همکاری زبینه اشمیتکه و دیوید اسکلیر^۶ در سال ۲۰۰۷ و با اهتمام انتشارات بریل منتشر شد.

۲- آدنگ مقدمه‌ای نیز بر کتاب ایگناس گلدزیهر^۷ با عنوان

³ - Camilla Adang

⁴ - Bussum.

⁵ - Radboud University, Nijmegen.

⁶ - Sabine Schmidtke, David Eric Sklare.

⁷ - Ignac Goldziher.

The Zahiris, Their Doctrine and Their History. A Contribution to the History of Islamic Theology

«ظاهریان، عقائد و تاریخ و سهمشان در تاریخ کلام اسلامی» نگاشته است که انتشارات بریل در سال ۲۰۰۷ آن را چاپ کرد.

- اثر بعدی تصحیحی انتقادی است که آدنگ به همراه ویلفرد مادلونگ^۸، زاینه اشمیتکه بر کتاب *زیادات شرح الاصول ابوطالب هارونی* انجام داده است. عنوان این اثر عبارت است از:

Basran Mu'tazilite Theology: Abu Ali Mohammad b.Khallad's Kitab al-Usul and its reception.

A Critical Edition of the Ziyadat Sharh al-Usul by the Zaydi Imam al-Natiq bi-l-haqq Abu Yahya b.al-Husayn b.Harun al-Buthani (1033/424)

در معرفی این کتاب باید گفت که ابن خلاد از مهم‌ترین متکلمان مذهب بهسمی در قرن پنجم، کتابی به نام *شرح الاصول* دارد که دست کم برای یک دوره تا حدود اوائل سده ششم قمری در ری و شمال ایران مورد توجه معتزلیان و زیدیان قرار داشته و شرح و تفسیرهایی بر آن نوشته اند و در مجالس درس مبنایی برای تدریس کلام معتزلی بوده است. مهم‌ترین نمونه قاضی عبدالجبار است که علاوه بر اینکه کتاب *شرح الاصول* ابن خلاد را تکمیل کرد (*تکملة الشرح*) شرحی هم بر آن فراهم کرد که همین شرح تا مدت‌ها مورد عنایت معتزلیان و زیدیان بعدی قرار گرفت. کتاب *زیادات شرح الاصول ابوطالب هارونی* به کوشش دکتر آدنگ و همکاران وی در تصحیحی انتقادی بر پایه نسخه خطی منحصر به فردی (متعلق به کتابخانه دانشگاه لیدن، از میان مخطوطات یمنی این کتابخانه) که مشتمل بر متن کامل کتاب است به وسیله انتشارات بریل در سال ۲۰۰۸ در ۳۰۶ صفحه متن عربی و با مقدمه‌ای به انگلیسی به زیور طبع

⁸ - Wilfred Madlong.

آراسته شده است. نام عربی این طبع چنین است: *طوالع علم الکلام المعتزلی: کتاب شرح الأصول لأبی علی محمد بن خالد البصری و شروحه. طبعة محققة لزیادات شرح الأصول لإمام الناطق بالحق ابی طالب یحیی بن الحسین بن هارون البطحانی الزیدی (م ۳۳۴/۱۰۳۳)*. این کتاب ما را با آراء قاضی عبدالجبار و اخلاف و اسلاف بهشمی او آشنا می‌کند. خاصه که در این کتاب سنتی از تصحیح و تعلیق نگاری بر کتاب ابن خالد تا دو نسل پس از ابوطالب هارونی (پایان سده پنجم) قابل پی گیری است.^۹

2- *Contacts and Controversies between Muslim, Jews and Christians in the Ottoman Empire and Pre-Modern Iran*

یا «روابط و مناقشات میان مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در امپراطوری عثمانی و ایران قبل از روزگار معاصر» است که این کتاب را نیز با همکاری اشمیتکه در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات بریل به چاپ رساند.

روابط میان اقلیت‌های مسیحی و یهودی با مسلمانان در امپراطوری عثمانی و ایران از قرن پانزدهم و شانزدهم به بعد، حرکت‌هایی تازه در عرصه‌های ادبی، علمی، اجتماعی و سیاسی ایجاد کرد. مهم‌ترین عاملی که در داخل امپراطوری عثمانی به این حرکت‌ها شتاب بخشید، مهاجرت یهودیان تبعیدی بعد از سقوط اندلس در سال ۱۴۹۲ از شبه جزیره ایبری بود. بعداً در سال ۱۶۶۶ نهضت کوتاه اما فراگیر شبتای صوی تأثیر بسزایی در یهودیان ساکن در مملکت عثمانی و فراسوی آن نهاد و بر روابط آنان با مسلمانان سایه افکند. برعکس، حضور مبلغان مسیحی مخصوصاً مبلغان کاتولیک در ایران آن زمان که تحت سلطه سلسله صفویه و قاجار بود روز به روز در حال افزایش بود. اما یهودیان ایران بر خلاف هم کیشان خود در عثمانی بهره چندان از این نوزایی‌ها نداشتند. هدف این کتاب، بررسی مطالب و مستندات جدیدی است که

^۹ - بررسی‌های تاریخی، مقالات و نوشته‌های حسن انصاری در حوزه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام؛ www.ansari.kateban.com

پرتویی نو بر تبادلات علمی و اجتماعی مسلمانان و غیر مسلمانان، هم در ایران و هم در عثمانی می‌افکند و تشریک مساعی علمای این ادیان را در این ممالک بررسی می‌کند.

3- *Studies on The Children of Abraham*

یا «مطالعاتی دربارهٔ بنی ابراهیم». عنوان مجموعه کتاب‌هایی که با همکاری آدنگ، دیوید توماس و انتی لاتو^{۱۰} در دست انتشار است. این مجموعه کتاب‌ها به ادیان ابراهیمی شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام را می‌پردازد و روابط تاریخی و کلامی این سه دین را که هم شامل مشاجرات و منازعات و هم مراودات دوستانه و آشتی طلبانه می‌شود مورد مذاقه قرار می‌دهد. نویسندگان فوق با دقت مستندات و منابع موجود در این موضوع را بررسی می‌کنند و صحت علمی اسناد را مورد کاوش دقیق قرار می‌دهند.

آدنگ مقاله‌ای با عنوان “Ibn Hazm’s Criticism of Some Judaizing Tendencies Among the Malikies” یا «انتقادهای ابن حزم از برخی گرایش‌ها یهودی سازی در میان مالکیان»^{۱۱} در کتاب *Medival and Modern Perspective on Muslim-Jewish Relations* یا «چشم اندازهای قرون وسطایی و معاصر به روابط مسلمانان و یهودیان» دارد. همچنین مقاله “The Spread of Zahirism in al-Andalus in the Post-Caliphal period: The evidence from the biographical dictionaries” یا «گسترش ظاهریه در اندلس در دوران پس از خلفا؛ شواهدی از تذکره‌ها»^{۱۲} از آدنگ فصلی از کتاب *Ideas, Images, and Methods of Portrayal. Insights into Classical Arabic Literature and Islam* یا «عقائد، تصاویر، و روش‌های توصیف. نگرش‌هایی به آثار ادبی کلاسیک عربی و اسلامی» را تشکیل می‌دهد.

¹⁰ - Antti Laato; David Thomas.

^{۱۱} - این مقاله صفحات ۱ تا ۳۲ این کتاب را تشکیل می‌دهد.
^{۱۲} - این مقاله صفحات ۲۹۷ تا ۳۴۶ از این کتاب را تشکیل می‌دهد.

این گزارش مختصری از دستاوردهای پژوهشی دیگر آذنگ غیر از این کتاب بود. اکنون به خود این اثر می پردازیم.

معرفی کتاب حاضر

کتاب دیدگاه های نویسندگان مسلمان درباره یهودیت و عهد عتیق متشکل از هشت فصل است. چهار فصل نخست آن که موضوع کار ما در این رساله می باشد به بررسی چگونگی دریافت مطالب عهد عتیق نزد مسلمانان صدر اسلام و نوع استفاده و تأثیر این مطالب در آثار نویسندگان قرون اولیه از قرن سوم تا قرن پنجم ه.ق اختصاص پیدا کرده است. آذنگ آثار دانشمندی چون ابن ربن طبری، ابن قتیبه، یعقوبی، طبری، مسعودی، باقلانی، بیرونی، مقدسی و ابن حزم را از منظری جدید مورد واکاوی قرار می دهد و نوع نگرش آنها به متون مقدس رسمی و غیر رسمی یهودیان را با دقت بسیاری می سنجد. وی هر کدام از آثاری را که اینان درباره ی اهل کتاب نگاشته اند و یا در هر کتابی که ایشان در آن به اهل کتاب و متون مقدسشان اشاره نموده اند، مطالعه کرده و به دقت ردّ و نشان ارجاعات آنها را در متون مقدس رسمی و غیر رسمی پیدا نموده است. تمایز میان متون رسمی و غیر رسمی در اینجا حائز اهمیت است. زیرا گاه نویسندگان مسلمان از این تمایز آگاه نبودند و به «متون غیررسمی» Apocrypha یا «متون مجعول» Pseudepigrapha استناد می کردند و آنها را تورات می پنداشتند. در تعلیقات فصل اول درباره ی این دسته از آثار توضیح داده ایم.

آذنگ در نخستین فصل اثر خویش درباره ی چگونگی آشنایی پیامبر با آثار و اعتقادات یهودیان قلم زده است. او روابط پیامبر با یهودیان را بررسی کرده و تفاوت هایی را که رویکرد ایشان به اهل کتاب در طی سال های قبل و بعد از بعثت به خود گرفته مورد ارزیابی قرار داده است. لازم به ذکر است که نویسنده با توجه به شیوه های پژوهشی رایج در غرب، جنبه ی وحیانی کلام الهی را در نظر نمی گیرد و در برخی موارد متن قرآن را اقتباس از برخی متون یهودیان می داند. در این گونه موارد توضیحات لازم در تعلیقات ارائه

شده است. علاوه بر اینها، مؤلف به چند تن از وعاظ مسلمان که قصه‌های عهد عتیق را برای عامه مردم بازگو می‌کردند اشاره و نگاهی به صحت و سقم اقوال ایشان و نوع منابعی که آنان بدانها مراجعه می‌کردند می‌افکند. وی از گونه‌های مختلف نوشته‌های مسلمانان، مانند «قصص الانبیاء»، «نوشته‌های تاریخی»، «احادیث» که به هر نحو در آن حکایات کتاب مقدس یا همان «اسرائیلیات» راه یافته است سخن می‌گوید و آثار به نام در هر کدام از این موضوعات را نام می‌برد.

آدنگ در فصل دوم به معرفی نه نویسنده پیشگفته می‌پردازد و آن دسته از آثار و کتب ایشان را که با موضوع کتاب پیوند دارد مورد کندوکاو قرار می‌دهد. او در ابتدا شرح حال مختصری از هر کدام از این بزرگان ارائه داده و سپس به بررسی آثارشان می‌پردازد. آنچه در این میان جالب توجه است دریچه نگاه آدنگ به این نویسندگان و نوع معرفی آثار ایشان است. آدنگ نوع رویکرد این نویسندگان به موضوع را با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غالب در جامعه و نیز حوزه علاقه و پژوهش هر کدام از آنها ارزیابی می‌کند و سپس آن دسته از آثار ایشان را که یا درباره یهودیان، یا در اشاره به آنان است فهرست کرده و در موردشان به تفصیل سخن می‌گوید. شرح حال نویسندگان بنا به میزان مستندات تاریخی در مورد هر کدام و نیز تعداد آثاری که ایشان درباره یهودیت دارند متفاوت است. از این رو می‌بینیم که ابن حزم در بین سایر نویسندگان در این فصل، بیشترین میزان بررسی را به خود اختصاص داده است.

اما فصل سوم، آدنگ در این فصل اعتقادات و اعمالی را بررسی کرده است که نویسندگان مورد نظر، به درست یا به اشتباه به یهودیان نسبت داده‌اند. نویسنده در این فصل گزارشی از عمده مطالب مندرج در آثار این علما ارائه داده و هر جا که لازم بوده از ایشان نقل قول کرده است. به همین سبب، غیر از ابن قتیبه و باقلانی، از نویسندگان دیگر به فراخور میزان ارتباط آثار ایشان با موضوع کتاب نقل قول‌های متعددی آورده شده است. از این گذشته آدنگ در این فصل، به نحله‌های یهودی و افراد صاحب نامی که هر کدام از این نویسندگان با ایشان برخورد داشتند یا از آنها ذکری به میان آورده اند اشاره می‌کند و به اختصار

شرح حال برخی از آنها چون سعدیا گائون و داوود بن مروان رقی معروف به «مقمص» را به دست می‌دهد. ظاهراً فرقه قرائیان که بیشتر نویسندگان آنها را به نام «عنابیه» می‌شناختند و ربانیان که آنها را هم به نام «اشمعیه» می‌شناختند از جمله فرقی بودند که منابع مکتوب و شفاهی‌شان به تناوب در دسترس نویسندگان مسلمان قرار داشته و به آنها ارجاع می‌دادند و یا با استناد به آنها به نقد یهودیت می‌پرداخته‌اند. در فصل چهارم، تمرکز آدنگ بر مسئله منابع مورد استفاده نویسندگان مسلمان در استفاده از مطالب کتاب مقدس است. پیشتر گفتیم که در نخستین قرون بعد از اسلام هیچ ترجمه عربی از کتاب مقدس وجود نداشت. آدنگ در این فصل، با محوریت این مسئله، آثار و کتب این نویسندگان را ارزیابی می‌کند و صحت و سقم اقوال ایشان را در ترازوی سنجش قرار می‌دهد. این که آیا نویسندگان از متن رسمی کتاب مقدس، از تمایز میان متون رسمی و غیر رسمی، از وجود نسخ مختلف از کتاب مقدس خبر داشته‌اند یا نه موضوع بحث آدنگ در این فصل با تمرکز دقیق بر مطالب کتاب آنهاست. علاوه بر این، اینکه این نویسندگان زبان عبری می‌دانسته‌اند و از ویژگی‌های آن آگاهی داشته‌اند یا نه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نقشی که این مطالب در آثار ایشان ایفا کرده‌اند و پنجره دید نویسندگان به آنها و کاربردی که برای آن متصور شده‌اند نیز شرح داده می‌شود. آدنگ در این فصل آن قسمت‌هایی از اقوال نویسندگان را می‌آورد که می‌توان مرجع دقیق آن را در کتاب مقدس یافت.

روش کار مترجم

همان طور که پیشتر هم گفتیم آدنگ در لابه لای فصول کتاب خود، نقل قول‌های فراوانی از نویسندگان مورد نظر خویش آورده است. برای ترجمه نقل قول‌ها به خود متن اصلی مراجعه کردیم و متن انگلیسی را با متن اصلی عربی تطبیق دادیم. در مواردی که ترجمه فارسی متون عربی وجود داشت، در صورت اطمینان از صحت و وثوق ترجمه، از آن بهره گرفتیم و هر جا که احیاناً اشکالی هم در آن وجود

داشت در تعلیقات به آن اشاره کردیم. علاوه بر این، نویسنده از برخی مستشرقین معروف نیز نقل قول هایی به زبان هایی دیگر از جمله آلمانی، فرانسه، اسپانیایی هم آورده است که برای ترجمه آنها به افراد متخصص در این زبان ها رجوع کردیم و با یاری آنها عبارات را ترجمه نمودیم البته در مواردی با توجه به فحوای متن به ویرایش ترجمه های آنان نیز پرداختیم.

در ترجمه این اثر، با طور فراوان به اصطلاحات و واژه هایی که به زبان هایی دیگر چون یونانی، عبری، آلمانی، فرانسه، و... بود. برای ترجمه این لغات و اصطلاحات از فرهنگ های معتبر استفاده کردیم و تلاشمان بر این بود که دقیق ترین معادل فارسی را برای آنها بیابیم.

آدنگ هر جا که از نویسنده ای یا واقعه ای سخن می گوید، تاریخ مربوط به آن را هم به میلادی و هم به هجری می آورد اما گاهی در برخی قسمت ها از آوردن تاریخ هجری غفلت شده است. در این موارد تاریخ هجری را یافته و به آن افزودیم. نکته دیگر اینکه در شیوه ارجاعات در پاورقی ها کاملاً از شیوه خود نویسنده تبعیت کردیم و آن را تغییر ندادیم. لازم به ذکر است که در پایان ترجمه هر فصل، هر جا اصطلاحی خاص یا نکته ای مبهم و نیازمند به توضیح بیشتر وجود داشت، چند برگ را به تعلیقات اختصاص دادیم و توضیحات کافی را در آنجا آوردیم. در متن هر جا که ارجاعی به تعلیقات وجود دارد با نهادن شماره مخصوص آن در داخل پرانتز، مخاطب را به تعلیقات مترجم ارجاع داده ایم. برای توضیح نکات و اصطلاحات مبهم در متن، در وهله اول به کتب چاپی مراجعه نمودیم اما در مورد برخی اصطلاحات و نامها توضیحی در منابع مکتوب و کتب چاپی نیافتیم. از این رو به منابع اینترنتی و سایت های معتبر علمی مراجعه و از آنها استفاده کردیم.

توضیحی درباره برخی معادل ها

جا دارد راجع به معادل‌های فارسی برخی واژه‌ها در اینجا توضیحاتی دهیم. همان طور که پیشتر گفتیم نویسندگان مسلمان برای استناد به مطالب کتاب مقدس علاوه بر متون رسمی از متون آپوکریفایی Apocrypha یا متون مجعول Pseudepigrapha نیز فراوان استفاده می‌کردند. در ترجمه این کتاب، معادل‌های «متون غیر رسمی» را برای Apocrypha، «متون مجعول» را برای Pseudepigrapha، «قانونی» را برای canonical و «فراقانونی» را برای extra-canonical در اشاره به این قسم آثار به کار بردیم تا تمایز میان آنها را مشخص نماییم.

علاوه بر این، در این ترجمه در بیشتر جاها به جز مواردی چند، از واژه «کتاب مقدس» به جای «عهد عتیق» استفاده شده است. نویسندگان در بیشتر جاها در اشاره به منابع نویسندگان مسلمان، کل متون مقدس را در نظر می‌گیرد و تنها به عهد عتیق بسنده نمی‌کند. لذا به منظور عدم محدودیت در رساندن معنای واژه، در بیشتر جاها «کتاب مقدس» را به جای Bible یا biblical نهادیم.

توضیحی دیگر که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد توضیحی راجع به اصطلاح «رَبَّانِی» است که آن را معادل “Rabbanite” قرار داده ایم. قدمت این واژه به دوران هیلل و شمّای، دو دانشمند و رهبر مشهور یهودیان در سده نخست میلادی برمی‌گردد که به دوره «تَنَائِیم» یا «معلمان» مشهور است. در این دوره به آن دسته از دانشمندانی که منصبی شرعی دریافت می‌داشتند عنوان «رَبّی» داده می‌شد. شاگردان هیلل که پس از او وارثان دانش و فضائل والای اخلاقی استاد خویش گشته بودند به تدریج قلوب دانشمندان دیگر را مسخر خویش ساخته و تبدیل به مکتب غالب در آن زمان شدند و به آنها عنوان محترم «رَبَّان» عطا شد. آنها هدایت و راهنمایی دانشمندان را به عهده داشتند و رهبران حقیقی قوم بودند که هم مردم و هم مراجع و هم نهادهای رسمی آنها را قبول داشتند.^{۱۳} لازم به ذکر است که معادل این واژه را

^{۱۳} - اشتاین سالتز آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳، ص ۵۳.

«حاخامی» هم می‌گذارند. اما از آنجا که حاخام عنوانی است به معنی «فرزانه» و آن را به پیشوای مذهبی یهودیان و به کسی می‌دهند که دانش کاملی از تورات دارد، واژه «رَبّانی» تناسب معنایی بیشتری دارد. علاوه بر اینها لازم به ذکر است که در فصل اول (ص ۱۸)، معادل «برداشت‌گرایانه» را برای واژه Impressionistic نهادیم. در توضیح این واژه باید گفت که اغلب به معنای تعبیری آزاد از واقعیت یا متن است که بدون ذکر جزئیات ارائه می‌شود.

آدنگ به کرات از واژه آلمانی Vorlage برای اشاره به منابع مورد اشاره نویسندگان استفاده کرده است که معادل «متن منبع» را برای آن برگزیدیم و در تعلیقات فصل چهارم (ص ۲۳۹) درباره آن توضیحات کامل تری داده‌ایم. همچنین است واژه یونانی Topos در فصل سوم که معادل «شیوه تلفظ» را برای آن گذاشتیم و در قسمت تعلیقات همین فصل (ص ۱۸۳) راجع به آن توضیح دادیم.

در فصل سوم (ص ۱۴۸)، اصطلاح عبری Shibboleths را داشتیم که به معنای «اصطلاحات و تعابیر خاص در یک مذهب یا فرهنگ» بود. با توجه به این که معادل آن در فارسی، توضیحی بود و اصطلاحی به این معنی در فارسی برای آن وجود نداشت، توضیح این واژه را داخل کروشهای در متن آورده‌ایم.

.....

آنچه گفتیم فشرده‌ای از کارستان آدنگ در این اثر بود. وی در این کتاب به منابعی اشاره می‌کند و از نویسندگان و محققانی می‌گوید که در ایران کمتر شناخته شده اند و آثارشان کمتر معرفی شده است. امید است این ترجمه، بتواند افق‌هایی تازه برابر دیدگان محققان و دانش پژوهان علاقه مند به این حوزه‌های پژوهشی بگشاید.

در پایان بر خود واجب می‌دانم که سپاس و درود فراوان خود را به استاد فاضل و گرانمایه، جناب آقای دکتر منصور معتمدی نثار کنم که اگر یاری دل سوزانه و دقت نظر بی نظیر و راهنمایی‌های روشن‌گرانه‌شان

نبود انجام این ترجمه به فرجام نمی‌رسید. از درگاه پروردگار یکتا سلامتی و طول عمر و پایداری در جایگاه مقدس تعلیم و تربیت را برای ایشان خواستارم و همواره خود را مدیون ارشادهای علمی و اخلاقی و معنوی ایشان می‌دانم. همچنین از استاد مشاور گران قدر و بزرگوارم، جناب آقای دکتر علی اشرف امامی کمال تشکر و قدردانی را دارم و برای ایشان نیز از درگاه احدیت سلامتی و طول عمر فراوان را خواستارم. از اسطوره‌های بی بدیل زندگی‌ام، ستون‌های محکم ماندگاری‌ام، پدر و مادر عزیزم هزاران بار ممنونم که هر چه دارم از آنهاست و بی آنها هیچ ندارم. از درگاه پروردگار یکتا سلامتی و آرامش و طول عمر را برایشان خواستارم که اگر دلسوزی‌های بی دریغ و محبت‌های گرم و حمایت‌های محکمشان نبود قدم نهادن در این مسیر پر فراز و نشیب را تاب نمی‌آوردم. خاک پای هر دویشان را می‌بوسم و سرمه چشم می‌کنم و تا نفسی هست خود را مدیونشان می‌دانم.

فاطمه پژوهم

زمستان ۱۳۹۰

فصل اول

دسترسی به مطالب کتاب مقدس در صدر
اسلام

شواهد بسیاری درباره حضور جوامع یهودی و مسیحی در شبه جزیره عربستان دیرزمانی پیش از ظهور اسلام وجود دارد.^۱ احتمالاً یهودیان در اوایل سده ششم ق.م در عربستان سکنی گزیده اند اما به یقین این اقامت بعد از سده دوم میلادی نبوده است.^۲ یهودیان در دوران پراکندگیشان در عربستان که هم در حجاز و هم در یمن می‌زیستند، دو یا حتی شاید سه زبانه بودند: زبان سخن گفتنشان عربی بود اما متون مقدسشان را به عبری می‌خواندند و نقل قول می‌کردند و اگر به تلمود دسترسی داشتند، زبان آرامی به کار می‌بردند.^۳ یهودیت در عربستان یک دین تبلیغی بود که توانسته بود برخی از مشرکان شهرنشین را بدان کیش

^۱ - توصیف محیطی که اسلام در آن پا به وجود نهاد در کتب بسیاری آمده است، و از این رو، نیازی به تفصیل نیست. از باب نمونه، بنگرید به دوفصل نخستین کتاب رادینسون 1976 Rodinson، و کتاب جدیدتر بوسه 1988:8-29 Busse و نیوبای 1988 Newby، که در این منابع، نوشته‌های کهن تر ارائه شده است.

^۲ - Newby 1988:20-22, 32.

بنا بر نظریه ای که دوزی (1864) Dozy طرح کرده و بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است، بنی اسرائیل مدت‌ها پیش و در روزگار پادشاهی داوود در مکه سکونت اختیار کرده اند. به دنبال اینان، که بنابه فرض دوزی کعبه را بنیاد نهاده و مناسک حج را پایه ریخته اند، یهودیانی که از تبعید در بابل گریخته بودند روانه عربستان شدند. جمع دیگری از پژوهندگان گفته اند که در سپاه پادشاه بابل، نبونید Nabonidus (حک. ۵۵۶-۵۳۹ ق.م.) که به مناطق شمالی شبه جزیره عربستان تاخت و آن صفحات را به اشغال درآورد، یهودیان حضور چشمگیری داشتند. مدارک موثق تر، زمان سکونت گزینی یهودیان در عربستان را به دوره بعد از ویرانی معبد دوم (۷۰ ق.م) برمی‌گردانند.

^۳ - درباره وضعیت زبانشناختی یهودیان عربستان بنگرید به:

Newby 1988:21f., 49; Abbot 1957:28,30; ead., 1967:257.

درآورد.^۴ این امر در جنوب عربستان موفقیتی شگرف پیدا کرد نوکیشی یهودی به نام ذونواس چند صبحی در آنجا دیهیم پادشاهی بر سر نهاد.^۵ از قرن چهارم میلادی به بعد فرقه های مختلف مسیحی در زمینه های تبلیغی، رقابتی جدی را با یهودیت آغاز کردند.^۶ نسطوریان^(۱) و تک طبیعتی ها^(۲) با یکدیگر و نیز با یهودیان بر سر جلب نظر اعراب که در بسیاری از مواقع با نمایندگان هر دو دین توحیدی ارتباط داشتند رقابت می کردند. در کنار یهودیان و مسیحیان ساکن در آنجا، بازرگانانی نیز وجود داشتند که اهل سفر بودند و نه تنها به اشاعه مطالب و اطلاعات مندرج در متون مقدسشان می پرداختند بلکه اگادوت^(۳) یا افسانه هایی نیز درباره مشایخ^(۴) patriarch، ریهها و حکایت های پارسامشانه ای از رسولان، شهیدان، و راهبان در کوی و برزن می پراکندند که برای آنها شنوندگان مشتاق و سراپاگوشی می یافتند.^۸

چه بسا میان مسیحیان سرزمین عربستان در دوران پیش از اسلام، برای مراسم عبادی و اهداف تبلیغاتی، ترجمه عربی قسمت هایی از کتاب مقدس به کار می رفته است.^۹ با این همه، تاکنون چنین متونی

^۴ -Rodinson 1976:29f.; Newby 1988:38-40,53f.

^۵ --Rodinson 1976:30-32; Newby 1988:39-48.

^۶ - Graf, *GCAL*, I, 21; Busse 1988:10; Rodinson 1976:29f.; cf. Newby 1988:36.

^۷ - درباره این دو گروه بنگرید به:

Spuler, 1961a and 1961b.

^۸ - Kister 1988:83.

^۹ -Baumstark (1934:166), al-Maqdisi (1933), C.Peters (1942-43:132), and R.G.Khoury (1972a:258; 1989:553,559f).

این محققان تردیدی ندارند که پیش از ظهور اسلام، ترجمه هایی از (بخش هایی از) کتاب مقدس وجود داشته است، اما بلاو

De Goeje (1973:67) تنها احتمال وجود چنین ترجمه هایی را می پذیرد؛ با این همه، قس. نولدکه، نقل شده در دوخوئه

1897:179 و Graf، *GCAL*, I, 36.